

مرگ

(حقیقت، نهایت و ذبح آن و
داستانهای غم انگیز)

مؤلف: محمد مصطفی

عبدالله خطیب

مترجم: پدram اندایش

مرگ، حقیقت آن، نہایت آن و ذبح آن // 1

بسم الله الرحمن الرحيم

مرگ: حقیقت، نہایت و ذبح آن و

داستانهای غم انگیز

قال تعالى: ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةٌ
الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ
أَجُورَكُمْ يَوْمَ
الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِرَ
عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ
الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا
الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا
مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾ [آل عمران: 185] (هر

112 / مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن

شخصی طعم مرگ را می‌چشد و اجرهای شما روز قیامت به طور کامل به شما داده می‌شود، پس کسی که از آتش جهنم نجات پیدا کند و داخل بهشت گردد، حقیقتاً کامیاب شده است و زندگی دنیوی چیزی نیست مگر کالای فریب).

رسول الله ﷺ فرموده است: «لا

إله إلا الله، إن للموت لسكرات...»

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن 3//

[متفق علیه] (هیچ پرستش شونده‌ی

برحقی جز الله وجود ندارد و برای

مرگ سختی‌هایی وجود دارد...).

مقدمه

الحمد لله و الصلاة و السلام على
رسول الله و على آله و صحبه... و
بعد:

مرگ حق است ولی با این
احوال تمامی مردم از این حق کراهت
دارند، الله تعالی می فرماید: ﴿كُلُّ نَفْسٍ
ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾ (هر شخصی طعم
مرگ را می چشد) به این معنا که

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن 5//

گریزی وجود ندارد که باید به
سرزمین برزخ کوچ نمود و آن زمان
به پایان رسیدن اجل است، الله تعالی
می‌فرماید: ﴿فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا
يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ﴾
[الأعراف: 34] (و هنگامی که اجل
آنها برسد لحظه‌ای عقب نیافتاده و
[لحظه‌ای] جلو نمی‌افتد). درباره‌ی
مرگ بسیار فکر صورت گرفته است

116 // مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن

و درباره‌ی آن در کتابچه‌ها همراه داستانهای واقعی که افراد بینا از آن عبرت می‌آموزند، بسیار نوشته شده است، از مولای خود سبحانه درخواست می‌نماییم تا ما را از افرادی قرار دهد که عمر آنها زیاد طول می‌کشد و در آن عمر نمودن اعمال آنها نیکو می‌شود و با نیکی خاتمه رستگار می‌شوند.

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن 711

و الله توفیق دهنده می باشد...

مرگ در دیدگاه عقل سالم

اگر هر کدام از ما به مرده‌ای که
از این دنیا جدا شده است، بنگرد و در
پس آن تفکر نماید و تدبر کند، به
حقایقی می‌رسد که به شرح ذیل
هستند:

1- معنای مرگ به انتها رسیدن

118 // مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن

اجل در این دنیا می‌باشد، و کوچ نمودنی از آن است که بازگشتی ندارد و آن امری است که گریزی از آن وجود ندارد، حتی اگر عمر زیاد طول بکشد؛ به این دلیل که الله تعالی می‌فرماید: ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾ [آل عمران: 185] (هر شخصی طعم مرگ را می‌چشد).

2- مرگ جدا شدن از اهل، مال

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن 9//

و فرزند است و همه در مقابل تقدیری
حتمی قرار دارند و نمی‌توانند در آن
تغییری ایجاد کنند و [همچنین] نمی-
توانند آن را جلو یا عقب بیاورند، الله
تعالی می‌فرماید: ﴿إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا
يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ﴾
[یونس: 49] (هنگامی که اجل آنها
برسد لحظه‌ای عقب نیافتاده و [لحظه-
ای] جلو نمی‌افتد).

3- خارج شدن روح از بدن و

باقی ماندن جسدی

بی جان که نمی تواند، حرکتی انجام

دهد و دارای اراده، قدرت، عقل و

تفکر نمی باشد، الله تعالی می فرماید:

﴿كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ * وَقِيلَ مَنْ

رَاقٍ * وَظَنَّا أَنَّهُ الْفِرَاقُ * وَالْتَفَّتِ

السَّاقُ بِالسَّاقِ﴾ [القيامة: 26-29]

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن //

11

(این چنین نیست، وقتی روح به حلقوم می‌رسد * و گفته می‌شود چه کسی افسون می‌کند * و یقین حاصل می‌کند که زمان جدایی فرا رسیده است * و پاها جفت می‌گردند).

4- مرگ فرارسیدنِ پایان

گردش در این دنیا می‌باشد و آنچه را که عقل برای آینده تصمیم‌گیری نموده است را ویران می‌کند و الله

بسیار بزرگ راست می گوید که می -
فرماید: ﴿وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ
اللَّهُ﴾ [الإنسان: 30] (و نمی خواهید
مگر آن که الله بخواهد).

5- مرگ برگرفته شدنِ حتمی

است، زیرا الله تعالی می فرماید: ﴿اللَّهُ
يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا﴾ [الزمر:
42] (الله جانها را هنگام مرگ بر

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن //

13

می‌گیرد) و آن وقتی فرا می‌رسد که
قبل از آن، وقت آن مشخص نمی-
باشد.

6- مرگ بر عکس زندگی است

و آن چیزی نیست که ملموس یا حس
شده باشد و آن فقط امری پنهانی
است که فرشته‌ی مرگ یا ملائک
دیگر، با قبض نمودن روح، آن عمل
را به امر الله سبحانه انجام می‌دهند، الله

تعالی می فرماید: ﴿قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ
الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ﴾ [السجده:
11] (بگو: فرشته‌ی مرگ که بر شما
گماشته شده است، جانان را می-
گیرد). همچنین می فرماید: ﴿حَتَّىٰ إِذَا
جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا
وَهُمْ لَا يُفْرَطُونَ﴾ [الأنعام: 61] (تا
هنگامی که مرگ یکی از شما فرا

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن //

15

می‌رسد، فرستادگان ما جان او را
می‌ستانند و آنها کوتاهی نمی‌کنند).

7- مرگ وسیله‌ای نیست که با

آن حلقوم بریده شود یا گردن و رگ
قطع گردد یا به مانند چیزهای کشنده
به سراغ انسان یا هر صاحب روحی
بیاید، بلکه آن جدا شدن روح و
خارج شدن آن از بین عصب،
استخوان، گوشت و خون

می‌باشد و به شکل شدیدی صورت
می‌گیرد، همان گونه که پشم مرطوب
با چنگک کشیده می‌شود و برای رگ
دردهایی وجود دارد که به آن سكرات
گفته می‌شود، زیرا پیامبر ﷺ فرموده
است: «إِنَّ لِّلْمَوْتِ لِسَكَرَاتٍ» [متفق
علیه] (همان برای مرگ سختی‌هایی
وجود دارد).

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن //

17

8- مرگ جدا شدن از دنیا و انتقال یافتن به سرزمین برزخ است که همان قبری است که باغی از باغهای بهشت یا حفره‌ای از حفره‌های آتش جهنم می‌باشد.

9- مرگ یادآوری برای زندگان است و آن وقتی صورت می‌گیرد که آنها مرده‌ای را حمل می‌کنند و به قبری می‌برند تا آن را با خاک

18 // مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح

آن

پوشانند و آن وقتی است که مرده
تمامی آنچه مالک بوده است را ترک
می‌کند و پاهای او به هم چسبانده
می‌شود و در کفنی قرار می‌گیرد که
حرکتی ندارد.

10- مرگ حقی است که هر

مخلوقی بر روی زمین، انتظار آن را
می‌کشد و آن مخلوق نسبت به زمان و

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن //

19

مکان آن جاهل است، الله تعالی می -
فرماید: ﴿وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ
تَمُوتُ﴾ [لقمان: 34] (کسی نمی داند
در کدام زمین خواهد هُرد). امکان
ندارد که بشود از آن فرار کرد یا از آن
مخفی ماند یا در برابر آن در قلعه‌ای
قرار گرفت، زیرا الله تعالی می فرماید:
﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ
كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ﴾ [النساء:

[78] (هر کجا باشید مرگ را در می -

یابید، حتی اگر در قلعه‌های استوار و

محکم باشید).

11- مرگ قسمتی از عدالت الله

سبحانه بر روی این زمین است؛ و هر

مخلوقی به زودی می‌میرد، الله تعالی

می‌فرماید: ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾

[آل عمران: 185] (هر شخصی طمع

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن //

21

مرگ را می‌چشد) و کسی ماهیت
مرگ را نمی‌داند، مگر خالق عَلَيْهِ؛
بعضی از آنها با سختی انجام می‌گرد و
بعضی با نرمی و بعضی به طور
ناگهانی، الله تعالی می‌فرماید:
﴿وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا * وَالنَّاشِطَاتِ
نَشْطًا﴾ [النازعات: 1، 2] (قسم به
ملائکی که با سختی جان را می‌ستانند
* و قسم به ملائکی که به نرمی جان

22 // مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح

آن

را می‌ستانند) و پیامبر ﷺ فرموده است:
«موت الفجاءة أخذة أسف» (مرگ
ناگهانی گرفتنی تأسف آور است).
[رواه أحمد وأبو داود].

12- مرگ حاضر شدن ملائک

و جثمان آنها بر جسدی است که اجل
آن فرا رسیده است و او آنها را می-
بیند ولی نمی‌تواند از خود دفاع کند و

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن //

23

یا آنها را رد نماید و این در حالی
است که اهل او که در کنار وی
هستند، آنها را نمی بینند، الله تعالی
می فرماید: ﴿فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ
* وَأَنْتُمْ حِينِيذٌ تَنْظُرُونَ * وَنَحْنُ
أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا
تُبْصِرُونَ﴾ [الواقعة: 83-85] (پس
هنگامی که روح به حلقوم می رسد [و
توانای برگرداندن آن را ندارید] * و

شما در آن هنگام می‌نگرید * و ما به
آن از شما نزدیک‌تریم ولی
نمی‌بینید).

13- مرگ خارج شدن از زندان

دنیا است که آن دنیا بهشتی برای کافر
و زندانی برای مؤمن است. در آن
هنگام است که روح در نعمتهایی است
که الله تعالی برای بندگان پرهیزگار

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن //

25

خود مهیا فرموده است و یا در عذابی
دردناک است که مخصوص روح کافر
می باشد، آقای ما بلال رضی الله عنه به همسرش
در حالی که گریه می کرد و می گفت:
چه غمگینانه است گفت: بلکه بگو چه
شادمانه است زیرا فردا دوستان خود
محمد و صحابه ی او را ملاقات می -
کنم. همچنین الله سبحانه می فرماید:
﴿النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا﴾

[غافر: 46] (و آن آتش جهنم است که صبح و شام بر آن عرضه می-شوند). و این آیه اختصاص دارد به عذاب قبری که بعد از مرگ وجود دارد.

14- مرگ راحت شدن از

مشکلات دنیا و سختی آن و انتقال به جایی است که سختتر و تلختر می باشد

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن //

27

که شامل: سوالی است که در قبر پرسیده می‌شود و عذاب و تاریکی و وحشت آن است؛ آن وقتی است که دوستی وجود ندارد، مگر عمل صالح و نجات دهنده‌ای وجود ندارد، مگر مولای عَلَيْكَ که می-

فرماید: ﴿يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ﴾

[ابراهیم: 27] (الله کسانی را که ایمان

28 // مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح

آن

آورده‌اند با سخن ثابت در زندگی دنیوی
و در آخرت ثابت قدم می‌دارد و الله
ستمگران را گمراه می‌سازد و الله هر چه
بخواهد را انجام می‌دهد).

15- مرگ یعنی بسته شدن

پرونده‌ی اعمال در این دنیا؛ زیرا عمل
با مرگ به پایان می‌رسد و برای مرده
بعد از مرگش چیزی نمی‌باشد، مگر

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن //

29

صدقه‌ای که جاری می‌باشد یا علمی که از آن سود برده می‌شود یا فرزند صالحی که برای مرده دعا می‌نماید.

16- مرگ توقف زندگی برای

مرده است؛ نه غذایی دارد و نه نوشدینی و نه خرید و فروشی و نه گرفتن و رد کردنی و او به آنچه که در بعد از مرگ وجود دارد، انتقال می‌یابد؛ وقتی سوال کردن به پایان می‌-

رسد و عمل بسته می‌شود و به دوستش در قبر سلام داده می‌شود؛ اگر در خیر بوده باشد برای او خیر است و اگر در شر بوده باشد، برای او شر خواهد بود، سپس روزنه‌ای برای او باز می‌شود تا مکانش را در علیین ببیند و یا آن که در آتش جهنم ببیند و این بر اساس نوع عمل او خواهد بود.

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن //

31

17- اگر انسان از راه درست

منحرف شده باشد، مرگ پند دهنده-

ترین چیز برای انسان می باشد، تا آن

که به دنبال بدست آوردن ثواب بیافتد

و به سوی الله سبحانه برای گذشته‌ی

خود توبه نماید و از آنچه افراط نموده

است، طلب استغفار نماید و این

حالتی است که از الله تعالی به اندازه‌ی

حش حیا می کند، زیرا پیامبر ﷺ

فرموده است: «استحيوا من الله حق الحياء» (به اندازه‌ی حق حیا پیشه کردن از الله، از او حیا پیشه کنید!).
گفتیم: ای رسول الله آیا از الله حیا پیشه کنیم و این در حالی است که برای او شکر و ستایش است، فرمود: «ليس ذاك، ولكن الاستحياء من الله حق الحياء أن تحفظ الرأس وما وعى،

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن //

33

والبطن وما حوى، ولتذكر الموت
والبلى، ومن أراد الآخرة ترك زينه
الدنيا وآثر الآخرة على الأولى، فمن
فعل ذلك فقد استحيى من الله حق
الحياء» (منظورم این نیست ولی حیا
پیدا کردن از الله به اندازه‌ی حقش آن
است که سرت را و آنچه را که می-
شنود را حفظ کنی و شکمت و آنچه
آن را پر می‌کند را حفظ نمایی و

[همچنین] مرگ و نیستی را یاد نمایی
و کسی که آخرت را بخواهد، زینت
دنیا را ترک می‌کند و آخرت را بر دنیا
بر می‌گزیند و کسی که آن را انجام
دهد همانا از الله به اندازه‌ی حق حیا
پیدا کردن، حیا نموده است. [أخرجه
الترمذی].

18- مرگ یکی است ولی

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن //

35

سبب‌های آن زیاد می‌باشد، خواست و اراده‌ی الله وَعَلَّمَ بر این قرار دارد که سبب‌های زیادی برای مرگ قرار دهد تا آن که قضا و قدر را به اجرا در آورد و راست گفته است، کسی که گفته است:

من لم یمت بالسیف مات بغيره
کسی که با شمشیر نمیرد با غیر آن

تعددت الأسباب والموت واحد
سببها متعدد است ولی مرگ یکی است
19- مرگ اشاره‌ای بر قدرت
معبود یگانه دارد و قدرت او بر چیره
شدن بر متکبران و خوار نمودن
کسانی است که سلطه جو می‌باشند و
این یکی از معنای بزرگی است که
در «الله اکبر» وجود دارد، و امام و

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن //

37

نمازگزاران در هنگام نماز خواندن بر
میت آن را چهار بار تکرار می‌کنند؛
بدین صورت است که قدرت، جاه،
توان و مال هر چقدر زیاد که باشند،
مرگ را از انسان دفع نمی‌کنند و
گریزی نیست که مرگ زمانی که اجل
فرا برسد به سراغ انسان می‌آید.

20- مرگی حقی است که از آن

کراهت دارند و کسی یافت نمی‌شود

که آن را دوست داشته باشد، از نکات قابل توجه این است که وقتی سن انسان زیاد می‌شود و عمر طولانی می‌گردد، در نتیجه‌ی آن جسد ضعیف می‌شود ولی دو خصلت در او قوی می‌شود که پیامبر صلی الله علیه و آله به آنها اشاره فرمود است: «یهرم ابن آدم و یشب فیه اثنتان: الحرص علی المال

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن //

39

والحرص علی العمر» (فرزند آدم را
دو چیز پیر و زمین گیر می کند و آن
دو در وی جوان می مانند: حرص بر
مال و حرص بر عمر نمودن) [مصابیح
السنة]، او را در حالتی می بینید که
برای باقی ماندن تلاش می کند و از
ترس فقر و تهی دستی حریص می -
شود و این گونه می پندارد که در این
دنیا تا زمان زیادی باقی خواهد ماند.

21- معنای مرگ خارج شدن روح از بدن است، همان روحی که مدتی را در زندگی این دنیا در آن سپری نموده است و به آن بر نمی-گردد، مگر هنگام سوال قبر و برانگیخته شدن بعد از مرگ؛ بدین صورت که با داخل شدن به بهشت برای کسی که ایمان آورده است و

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن //

41

عمل صالح انجام داده است و تقوا
پیشه کرده است، از نعمتها بهره‌مند
می‌شود و یا برای کسی که گمراه شده
است و انحراف یافته است و از هوی
تبعیت نموده است، عذاب خواهد بود.

22- مرگ حکمی الهی و قطعی

است برای هر مخلوقی که در آسمان
یا زمین باشد و آن بر حسب به پایان
رسیدن اجل او می‌باشد و هنگامی که

در صور دمیده می شود به صورتی
جمعی اجرا می شود، الله تعالی می -
فرماید: ﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ
فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا
مَنْ شَاءَ اللَّهُ﴾ [الزمر: 68] (و در
صور دمیده می شود و تمامی کسانی
که در آسمانها و زمین می باشند، می -
میرند، مگر کسی که الله بخواهد).

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن //

43

23- مرگ امری است که اجازه

به آرزوی آن داده نشده است، زیرا

رسول الله ﷺ از آن نهی نموده است و

فرموده است: «لا يَتَمَنَّيَنَّ أَحَدُكُمْ

الموت لضرٍّ نزل به...» [متفق علیه]

(کسی از شما برای ضرری که به وی

رسیده است، تمنای مرگ نکند...)

24- مرگ پایان دهنده‌ی لذت-

ها و جدا کننده‌ی جمعیت‌ها می‌باشد،

زیرا پیامبر ﷺ فرموده است: «أَكثَرُوا
مَنْ ذَكَرَ هَادِمَ اللَّذَاتِ» (از بین برنده‌ی
لذتها را زیاد یاد کنید). [رواه
الترمذی]. معنای آن مرگ می‌باشد.

عجیب‌ترین چیز و بزرگترین
امری که از آن عبرت کسب می‌شود
آن است که در روز قیامت برای
مرگ، ذبحی وجود دارد، و این

أهل النار، فيشرئبون وينظرون، فيقول:
هل تعرفون هذا؟ فيقولون: نعم، هذا
الموت، وكلهم قد رآه، فيذبح ثم
يقول: يا أهل الجنة خلود فلا موت،
ويا أهل النار خلود فلا موت، ثم قرأ:
﴿وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ
الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا
يُؤْمِنُونَ﴾ [مریم: 39] (مرگ به

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن //

47

مانند قوچی که سفید است و به
سیاهی می‌نماید آورده می‌شود و
منـادیی ندا
می‌دهد: ای اهل بهشت! آنها روی
می‌کنند و نگاه می‌کنند. او می‌گوید:
آیا این را می‌شناسید؟ می‌گویند: بله
این مرگ است و تمامی آنها آن را
می‌بینند، سپس ندا می‌دهد: ای اهل
جهنم! آنها روی می‌کنند و نگاه می-

کنند. او می‌گوید: آیا این را
می‌شناسید؟ می‌گویند: بله این مرگ
است و تمامی آنها آن را می‌بینند و
ذبح می‌شود و می‌گوید: ای اهل
بهشت! جاودانه و بدون مرگ خواهید
بود و ای اهل آتش جهنم! جاودانه و
بدون مرگ خواهید بود، سپس قرائت
فرمود: (و آنها را در حالی که در

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن //

49

غفلت هستند و آنها ایمان نمی آورند
را از روز حسرت، بترسان، آنگاه که
کار از کار می گذرد)).

در خاتمه از الله سبحانه
درخواست می نمایم که به ما در
سختی های مرگ کمک نماید و توبه ی
قبل از مرگ و رحمت هنگام مرگ و
آمرزش در روز حساب و کتاب را
برای ما حاصل فرماید.



قصیده‌ای درباره‌ی مرگ

| | |
|---------------|-----------------|
| ویدخل دون | رأیت الموت |
| وفی أعتی | یداهم فی |
| ویمضی | یرابط فی الطریق |
| من الرجل | ولا یخشی |
| ولا یصغی للوم | ویأتی دون وعد |
| سواء بالسفور | ولا یخشی |

(1) الأبیات من نظم الکاتب.

مرگ، حقیقت آن، نہایت آن و ذبح آن //

51

| | |
|--------------|-----------------|
| ویأتی للصغیر | بیتم حل فیہ أو |
| یخوض البحر | ویمخر فی |
| ویدخل فی | ویصعد للسماء |
| ولا تجدی | إذا الأجل انتهى |
| إلهی عفوک | لتدخلنا الجنان |

قصه‌های واقعی و غم انگیز

چاه شوه

گروهی چاهی را حفر می‌کردند،
وقتی به عمق چهار متری رسیدند، سه
نفر پایین رفتند و خاک و سنگ را
درون چیزی می‌ریختند که شبیه سطل
بود، و گروهی دیگر در بالای چاه
بودند که طناب را از چاه بیرون می‌-

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن //

53

کشیدند در حالی که به آن طناب،
سطل آهنی وصل بود و بالا رفتن آن
کامل می‌شد، بعد از چند روز لباس
یکی از کارگران به طناب آهنی گیر
کرد و با سطل خاک بالا رفت، در
هنگامی که سعی می‌کرد تا لباسش را
از آهن جدا کند، سطل با سنگ و
خاک بر روی آن دو نفر که ته چاه
بودند، ریخت و مرگ به سراغ آنها

54 // مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح

آن

آمد و مردند و زمان اجل آنها فرا
رسید ولی دوست آنها اجل او به پایان
نرسید و اراده‌ی الله تعالی بر این قرار
گرفت که او بالا رود، بدون آن که
بمیرد.

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن //

55

از این سخن برداشت می‌شود:
پایان رسیدن اجل آن دو نفری
که مردند، فرا رسیده بود و کسی که
نمرد، دست عنایت الهی او را انتقال
داد؛ تا آن که سالهای باقی خود را در
این حیات به پایان رساند و رسول
الله ﷺ راست گفته است که فرموده
است: «إِنَّ رُوحَ الْقُدُسِ نَفْثٌ فِي
رُوعِي أَنَّهُ لَنْ تَمُوتَ نَفْسٌ حَتَّى

56 // مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح

آن

تستوفی أجلها وتستوعب رزقها،
فاتقوا الله وأجملوا في الطلب، ولا
يحملن أحدكم استبطاء الرزق أن
يطلبه بمعصية الله؛ فإن الله تعالى لا
ينال ما عنده إلا بطاعته» (جبرئیل در
قلب من دمید که کسی نمی میرد مگر
آن که اجلش کامل شود و رزق او به
پایان برسد، پس از الله تقوا پیشه کنید

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن //

57

و طلب نمودن خود را زیبا نماید،
کسی از شما برای عقب افتادن روزی،
آن را با نافرمانی الله طلب ننماید؛ زیرا
به آنچه نزد الله است رسیده نمی شود،
مگر با اطاعت از وی). [رواه أبو نعیم
فی الحلیة: صحیح الجامع 2085].

عقرب

مادری با همراهی فرزندش از

جازان به سوی ریاض با هواپیما سفر نمود. مادر حس نمود که چیزی از جانب پشتش به داخل لباسش شده است، ولی فرزند او نتوانست که آن را پیدا کنند و مادر صبر نمود تا آن که به منزل فرزندش که در ریاض ازدواج کرده بود رسید، به سرعت برای مشکلش شکایت نمود و آنچه را که

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن //

59

حس کرده بود به دخترش گفت. دختر
آمد و دستش را داخل لباس مادرش
برد، در آن هنگام حشره‌ی بزرگی را
یافت و آن را گرفت که و آن یک
عقرب بود! ماجرای غم‌انگیز اتفاق
افتاد؛ عقرب در دست دختر جای
گرفت و او را نیش زد و سم آن داخل
دستش شد و به جسم او سرایت
نمود. به بیمارستان برده شد و

60 // مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح

آن

آمبولانس و دارو به او سود نرساند و
از دنیا جدا شد.

اینجاست که می‌گوییم:

این عقرب کجا بود؟

چه کسی آن را منع نمود که

سمش را به مادر بزند و آن را برای

دختر باقی گذاشت؟

آیا این عقرب خواب بود و وقتی

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن //

61

دختر آن را گرفت بیدار شد؟

آیا رمزی مخفی در پس این

حادثه‌ی غم انگیز وجود دارد؟

بله آن امر الله تعالی و قضا و قدر

وی می‌باشد و در آن برای صاحبان

خرد، عبرتی وجود دارد.

ماجرای غم انگیز در روز عید

مردی همسر و شش فرزند خود

62 // مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح

آن

را همراه پسر بزرگش که از همسر دیگر خود بود را وداع گفت و آنها برای گذراندن تعطیلی عید قربان نزد خانواده‌ی همسر و نزدیکانش در منطقه‌ی الوسطی رفتند. پسر بزرگ راننده‌ی ماشین بود. در راه بودند که یکی از لاستیکهای ماشین ترکید و توازن ماشین به هم خورد و راننده

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن //

63

نتوانست کاری انجام دهد؛ آن زمانی بود که قضاء و قدر اتفاق افتاد و ماشین چندین بار به دور خود چرخید و بعد ثابت ماند. نتیجه‌ی این حادثه‌ی دردناک این شد که همسر و پنج فرزند همراه او مردند و راننده به حال اغماء فرو رفت و در بیهوشی و بدون سخن گفتن تحت نظر مرکز قرار گرفت، و در این حالت بود که بچه‌ی

ششم در سن یکسال و نیمی زنده ماند
و اذیتی به او نرسیده بود! پاک و منزه
است الله تعالی که زنده می‌کند و می-
میراند و رد کننده‌ای برای حکمی که
نموده است وجود ندارد و برای او
کلیدهای آسمانها و زمین است و امر
در دست اوست و بازگشت به سوی
وی می‌باشد.

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن //

65

در اینجا واجب است که
خاشعانه در مقابل اراده و قدرت
الله عَلَّامٌ بایستیم و از خودمان سوال
کنیم:

چه کسی این بچه‌ی کوچک را
نجات داد؟ مرگ را برای مادر و
برادرانش تقدیر نمود؟

چگونه به نقطه‌ی دوری از
ماشین پرت شد و جسم او مشکلی

66 // مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح

آن

پیدا نکرد و استخوانهای نرم او سالم

ماند؟!

آن قدرت الله عَلَيْهِ است و او

باریک بین و بسیار آگاه است.

سنگ فرستاده شده

یکی از دوستان همراه

همکارانش در یکی از مکانهای سنگی

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن //

67

که سنگ آنها کنده می‌شد، کار می‌کرد.
برای آن که سنگها به راحتی به سوی
ماشینهایی که سنگ را حمل می‌کنند
برده شوند، گریزی نبود جز این که
آنها توسط مواد منفجره‌ای که برای
این منظور ساخته شده بودند، منفجر
گردند. این عملیات انجام نمی‌شد،
مگر بعد از آن که بر روی سنگها
گودالهایی کنده می‌شد و این مواد

منفجره در آن گودالها گذاشته می‌شد
و هر کدام از آن مواد منفجره با
فتیله‌ای طولانی مورد استفاده قرار
می‌گرفت و در هنگام انفجار این گونه
بود که کارگران از آن دور می‌شدند و
در اتاقی که برای زندگی آنها بود، پناه
می‌گرفتند. [یکبار] وقت آن رسید و
زمان انفجار مشخص شد و دوست ما

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن //

69

در یکی از اتاقهای مجاور پناه گرفت،
مسئول انفجار فتیله را آتش زد و
همگی صدای ترسناکی را به سبب
پرتاب شدن آن سنگهای منفجر شده
شنیدند. بدون آن که کسی حس کند
یکی از آن سنگها با سرعت از
پنجره‌ی کوچکی که بر روی دیوار
اتاقی بود که دوست ما و همکارانش
در آن بودند داخل شد، و به سر او

70 // مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح

آن

برخورد نمود و به حالت اغماء رفت و
بعد از گذشت چند ساعت از زندگی
دنیوی جدا شد.

اینجا باید سوال کنیم:

چه کسی آن سنگ را فرستاد و
از پنجره آن را داخل نمود؟
چگونه است که فقط به آن
شخص برخورد نمود و به همکارانش

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن //

71

اصابت نکرد؟

جواب این است: آن امر الله

تعالی و قضا و قدر او است و الله

تعالی راست می گوید که می فرماید:

﴿فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ

سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ﴾ [الأعراف:

34] (وقتی اجل آنها فرا برسد،

لحظه ای عقب نمی افتد [و لحظه ای]

جلو نمی افتد).



دوست محتره

کارمندانی از اهل روستای ما،
صبح هر روز در مکانی جمع می‌شدند
که به آن مرکز حرکت اتوبوس گفته
می‌شد. یک اتوبوس می‌ایستاد و وقتی
پُر می‌شد دیگری می‌آمد تا تعدادی از
افراد را سوار کنند. [شخصی به نام]

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن //

73

احمد آمد تا بر یکی از این اتوبوس‌ها
سوار شود و آن را در حالی یافت که
پُر شده بود و جایی در آن باقی نمانده
بود. او به اضطراب افتاد و ناراحت
شد از این که در موعد مقرر سر کار
خود حاضر نمی‌شد. وقتی حالت
اضطراب او را دوستش [که در ماشین
نشسته بود] دید او را صدا زد تا در
جای او بنشیند و احمد راضی نشد

ولی دوستش او را قسم داد تا جای او
بنشیند؛ زیرا دوستن عجله نداشت، و
احمد راضی شد و گرمی داشتی که از
طرف دوستش ایجاد شد را استجابت
نمود. اتوبوس به حرکت افتاد و این
در حالی بود که باران نازل می‌شد و
مدتی بعد قطع می‌گردید. صندلی
احمد در طرف راننده بود و ماشین با

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن //

75

سرعت بالایی حرکت می نمود. در هنگام غفلت راه اتوبوس را باربری بزرگ قطع نمود و با آن برخورد نمود و اتفاق بدی افتاد که قابل حساب نبود. شیشه‌ی جلوی ماشین شکست و فرمان در شکم راننده فرو رفت و اتوبوس مسیرش عوض شد و از راهش انحراف یافت و بر پهلو افتاد و کسانی که سوار آن بودند بعضی بر

روی بعضی دیگر افتادند و تعدادی از آنها مردند، و عده‌ای از آنها، دست و پایشان شکست و احمد از وفات کنندگان بود. به سرعت اهل روستا جمع شدند تا حادثه را مشاهده کنند و دوست احمد کسی که جایش را به احمد داده بود رسید و لحظاتی به دوستش نگاه می‌کرد، به کسی نگاه

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن //

77

می‌کرد که دست قضا و قدر الله تعالی
او را ربوده بود، الله سبحانه که زنده،
برپا و برپا دارنده است کسی که نمی-
خوابد و نمی‌میرد.

فاتمه

در پایان از الله سبحانه
درخواست می‌نمایم تا ما را در
سختی‌های مرگ یاری فرماید و

آخرین سخن ما در این دنیا را گواهی
دادن به این که پرستش شونده‌ی
برحقى جز الله تعالى وجود ندارد و
محمد بنده و فرستاده‌ی وی است،
قرار دهد. همچنین قبرهای ما و
قبرهای پدران و مادران ما را باغی از
باغهای بهشت قرار دهد و زبان ما را
در جواب دادن به سوالات دو

مرگ، حقیقت آن، نهایت آن و ذبح آن //

79

فرشته‌ی قبر یاری فرماید، و ما را از
تاریکی، ظلمت و وحشت آن حفظ
فرماید و همچنین ما را از فتنه‌ی
زندگی و مرگ حفظ نماید و ما را
همراه پیامبران، صدیقان و شهیدان
داخل بهشت فرماید.

والحمد لله رب العالمین...

